

مطالعه رفتار رابطه مبادله قیمتی و درآمدی فرش دستباف صادراتی ایران

میرعبداله حسینی

هیات علمی و پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

وحید بزرگی

هیات علمی و پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

حبیبه فتحی

هیات علمی و پژوهشگران موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

قیمتی فرش روبه نقصان گذارد به طوری که از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ پیوسته رابطه مبادله قیمتی آن کمتر از ۱۰۰ بوده است و بویژه در سال‌های اخیر در حول ۵۰ واحد، به نصف سال‌های ابتدای دوره رسیده است. (۲) رابطه مبادله درآمدی فرش دستباف از واحد ۱۰۰ در سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۰ پیوسته روبه کاهش شدید گذاشت به طوری که در سال ۱۳۶۰ به یک‌دهم رقم ابتدای دوره رسید و از آن سال به بعد تا سال ۱۳۶۶ پیوسته رو به افزایش نهاد، اما بلافاصله در سال بعد افت چشمگیری یافت. از این سال به بعد تا سال ۱۳۷۳ پیوسته رابطه مبادله درآمدی روند صعودی فزاینده‌ای داشته است و در سال ۱۳۷۳ با رسیدن به ۱۰۵۱/۶ واحد، رکورد رابطه مبادله درآمدی صادرات فرش دستباف ایران شکسته شد. بهبود رابطه مبادله خالص و افزایش حجم صادرات در این سال‌ها در بهبود رابطه مبادله درآمدی نقش مهمی ایفا نموده است. ولی از آن سال به بعد طی سال‌های ۸۶-۱۳۷۴ به سبب افت قابل ملاحظه رابطه مبادله خالص فرش دستباف و شاخص حجم صادرات آن، رابطه مبادله

بی‌ثباتی قیمت / رابطه مبادله قیمتی / رابطه مبادله درآمدی /
رقبا / شرکای تجاری / فرش دستباف / بازار جهانی و ایران

چکیده

در این مقاله، رفتار قیمت فرش دستباف در مقایسه با شاخص قیمت کالاهای وارداتی با استفاده از شاخص‌های قیمت، بی‌ثباتی قیمت و رابطه مبادله قیمتی و درآمدی آن برای دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۵ بررسی می‌شود. نتایج حاصل از محاسبه رابطه مبادله پایاپای خالص قیمتی و درآمدی فرش دستباف صادراتی ایران طی دوره ۸۶-۱۳۵۵ گویای آن است که: (۱) رابطه مبادله قیمتی فرش دستباف از واحد ۱۰۰ در سال ۱۳۵۵ به ۲۶/۹ واحد یعنی به حدود یک‌چهارم در سال ۱۳۵۸ کاهش یافت و از آن سال به بعد با نوسان شدید روبه افزایش گذارد و به رقم بی‌سابقه ۳۹۱/۴ در سال ۱۳۶۲ رسید و سال بعد به رقم ۱۵۹/۱ واحد سقوط کرد و از آن سال تا سال ۱۳۷۳ با نوسان روبه بهبود گذارد و به رقم نزدیک ۲۰۰ رسید اما مجدداً از این سال به بعد رابطه مبادله

درآمدی فرش دستباف نیز شدیداً رو به کاهش گذاشته است و از ۱۰۵۱/۶ واحد در سال ۱۳۷۳ به ۸۳/۷۱ واحد یعنی تا نزدیک یک‌سیزدهم در سال ۱۳۸۶ کاهش یافته است.

مقدمه

فرش مهمترین کالای صادراتی غیرنفتی کشور است که طی چهار دهه گذشته، بیش از یک چهارم (۲۶/۷۹ درصد) ارزش صادرات غیرنفتی را تشکیل داده است. متوسط سهم آن از صادرات غیرنفتی از ۲۷/۲۱ درصد طی سال‌های (۵۷-۱۳۳۸) به ۳۶/۸۷ درصد در دهه بعد از انقلاب (۶۷-۱۳۵۸) رسید. طی سال‌های برنامه‌های اول و دوم توسعه به ترتیب حدود ۳۸ و ۲۲/۵ درصد از ارزش صادرات غیرنفتی از صدور فرش دستباف تامین شده است. اما در سال‌های بعد سهم آن از صادرات غیرنفتی روبه‌نقصان گذاشته است، به نحوی که از ۴۴/۲ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۱۳/۰۹ درصد در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته و همچنان این روند کاهشی تداوم داشته و در سال‌های اخیر به کمتر از پنج درصد رسیده است (سالنامه آمار بازرگانی خارجی ایران، ۱۳۸۶-۱۳۳۸). لکن توسعه کمی و کیفی صادرات غیرنفتی، ظهور کالاهایی جدید در صادرات غیرنفتی، و رکود بازار فرش دستباف ایران و جهان سبب شد که سهم فرش دستباف از صادرات غیرنفتی ایران رو به کاهش گذارد. به این ترتیب، صادرات غیرنفتی از شرایط تک محصولی صدور فرش دستباف رهایی یافته و صادرات غیرنفتی از تنوع کمی و کیفی کالاهای مختلف برخوردار شده است.

تغییر و تحول قیمت مواد، کالاهای و تولیدات (اعم از مواد خام، کشاورزی، فرآورده‌ها و دیگر منابع طبیعی) و سهم کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته از بازار جهانی، درجه برخورداری هر کشور را از منافع تجارت بین‌الملل، نشان می‌دهد. در این خصوص، رابطه مبادله [۱] شاخصی است که بررسی رفتار آن در طی زمان، معیاری برای بررسی میزان برخورداری کشوری از منافع حاصل از تجارت کالایی محسوب می‌شود.

امروزه رابطه مبادله یکی از مهمترین ابزارها برای تحلیل مسائل کلان اقتصاد و توسعه اقتصادی از قبیل منافع حاصل از

تجارت بین‌الملل، تحولات حجم و ترکیب مبادلات و اثر آن بر سطح دستمزدها، رفاه عمومی و درآمد ملی تلقی می‌شود. در نظریه‌های اقتصاد بین‌الملل، رابطه مبادله جایگاه بااهمیتی دارد و نظرات مختلفی بر له و علیه روند بلندمدت رابطه مبادله در بین کالاهای یا در بین کشورها ارائه شده است. اصطلاح رابطه مبادله در نظریه دیوید ریکاردو [۲] و آلفرد مارشال [۳] جهت تعیین منافع طرفین مبادله به طور صریح به کار گرفته شده است. در مباحث توسعه اقتصادی نیز برخی تحلیل‌های انتقادی از روند روبه‌وخامت رابطه مبادله کشورهای درحال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته صورت گرفته است.

این مقاله در پاسخ به این پرسش‌های مهم نوشته شده است که سیر تغییر و تحول قیمت و رابطه مبادله فرش دستباف ایران طی چند دهه گذشته به چه صورت بوده است؟ کمینه و بیشینه بهبود در رابطه مبادله فرش دستباف در چه سال‌هایی بوده است؟ همین‌طور، بالاترین و کمترین بی‌ثباتی در رابطه مبادله فرش دستباف چه مقطعی بوده است؟ بدین منظور ضمن بررسی شاخص‌های مرتبط و پیشینه مطالعات، روند قیمت فرش دستباف در بازار جهانی مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت با مطالعه تطبیقی سال‌های ۸۶-۱۳۵۵ تحلیل‌های لازم ارائه شده است.

۱. مبانی نظری و روش تحقیق رابطه مبادله

در تشریح نظریات اقتصاد کلان بین‌الملل، رابطه مبادله نقش مهمی در ابداع و تحلیل نظریه‌های اقتصاد بین‌الملل بر عهده داشته و برای تعیین قواعد و چگونگی برخورداری از منافع تجارت بین‌کشورها بارها مورد استفاده قرار گرفته است [۴] برای رابطه مبادله، تعاریف و روابط مختلفی ارائه شده است که می‌توان آنها را در سه گروه طبقه‌بندی کرد (اپیلاردو همکاران، ۲۰۰۶، صص ۱۱۷-۱۱۰): گروه اول نشانگر رابطه مبادله بین کشورهای کالاهای است. در این گروه می‌توان به رابطه مبادله خالص و ناخالص و درآمدی اشاره کرد. گروه دوم مربوط به رابطه مبادله میان منابع تولیدی است که از آن جمله می‌توان به رابطه مبادله ساده عوامل تولید (تک‌عاملی) و مضاعف عوامل تولید (دوعاملی)

$$TOTi = \{(Px/Pm) \times Qx\} \times 100 \quad (3)$$

بر اساس صادرات آن کشور است و نشان می‌دهد که در برابر صادرات حجم بیشتری از واردات به دست آمده است. برای کشورها نه تنها تغییرات رابطه مبادله مهم است، بلکه تغییرات در حجم صادرات نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. به همین دلیل بهتر است علاوه بر تغییرات رابطه مبادله خالص، تغییرات در حجم صادرات نیز بدقت بررسی شود؛ زیرا رابطه مبادله درآمدی در واقع به تصحیح تغییرات در رابطه مبادله خالص می‌پردازد.

در ادامه بحث‌های نظری درباره متغیرهای اثرگذار بر رابطه مبادله ارائه می‌شود:

الف - ساختار کالایی: بسیاری از اقتصاددانان، از جمله راتول پربیش [۱۰] (۱۹۵۰) و هانس سینگر [۱۱] (۱۹۴۹) براساس تجربیات تجارت کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه مبادله به ضرر کشورهای درحال توسعه و یا محصولات اولیه است. دلایل متعددی در خصوص روند رو به کاهش رابطه مبادله محصولات خام اولیه در مقایسه با کالاهای صنعتی عنوان شده است که برای مثال می‌توان به کاهش تقاضا برای محصولات خام صادراتی کشورهای درحال توسعه به سبب پایین بودن کثرت درآمدی تقاضای جهانی برای این کالاها (مطابق قانون انگل)، محدودیت برای ورود این کالاها به کشورهای توسعه یافته (به سبب سیاست‌های تجاری تبعیضی از سوی کشورهای توسعه یافته)، عرضه محصولات خام اولیه به صورت ساخته شده، اختصاص منافع به دست آمده از افزایش بهره‌وری در تولید کالاهای صنعتی به افزایش دستمزدها و سود (به سبب ساختار انحصاری بازار در کشورهای صنعتی) و پیشی گرفتن افزایش تقاضای کالاهای صنعتی از تقاضا برای کالاهای خام اولیه اشاره کرد. البته، طی چنددهه اخیر، ساختار کالایی صادرات بعضی از کشورهای درحال توسعه از کالاهای اولیه به سمت کالاهای صنعتی درحال تحول بوده است که تا حدودی تأثیرات سوء ناشی از رو به کاهش بودن قیمت‌های نسبی صادرات مواد اولیه را تخفیف داده است و می‌توان نتیجه گرفت که تغییر ساختار کالایی

نام برد. گروه سوم نیز منافع به دست آمده از تجارت را بر اساس "تحلیل مطلوبیت" بررسی می‌کنند در این بین می‌توان به رابطه مبادله هزینه واقعی [۵] و مطلوبیت [۶] اشاره کرد. برای بررسی کالایی، گروه اول موضوعیت دارد که به اختصار شاخص‌های مربوطه ارائه می‌شوند:

الف) رابطه مبادله پایایی خالص [۷]: این رابطه مبادله، ساده‌ترین و متداول‌ترین نوع رابطه مبادله است که نشان می‌دهد کشورها به ازای یک واحد از صادرات چه میزان کالا در طی زمان وارد می‌کنند

$$TOTnb = (Px/Pm) \times 100 \quad (1)$$

در این رابطه Px شاخص قیمت کالای صادراتی و Pm شاخص قیمت کالاهای وارداتی است. بهبود رابطه مبادله خالص نشان می‌دهد یک کشور با صدور مقادیر مشخصی از کالا، حجم بیشتری از واردات را به دست آورده و نقصان آن مبین آن است که با صدور مقادیری مشخص از کالا حجم کمتری از واردات حاصل می‌شود.

ب) رابطه مبادله پایایی ناخالص [۸]: رابطه مبادله پایایی ناخالص، نسبت واردات فیزیکی کل یک کشور (Qm) به صادرات فیزیکی کل آن (Qx) است.

$$TOTg = (Qm/Qx) \times 100 \quad (2)$$

بهبود رابطه مبادله ناخالص گویای آن است که واردات بیشتری در مقابل حجم مشخصی از صادرات به نسبت سال پایه به دست آمده است.

ج) رابطه مبادله درآمدی [۹]: یکی از انواع مهم رابطه مبادله، رابطه مبادله درآمدی است. رابطه مبادله خالص امکان دارد طی دوره‌ای از زمان روبه نقصان گذارد، ولی در عوض حجم صادرات افزایش شدیدی یابد و در نتیجه بر میزان قدرت کشور برای واردات افزوده شود. به همین دلیل، برای نشان دادن تغییرات حجم صادرات و قدرت واردات، از رابطه درآمدی استفاده می‌شود که از حاصل ضرب رابطه مبادله خالص (Px/Pm) در شاخص تغییرات حجم صادرات (Qx) به دست می‌آید:

کشورهای درحال توسعه از مواد خام اولیه به سمت کالاهای ساخته شده، در بهبود رابطه مبادله آن کشورها مؤثر است.

ب - تورم: مطالعات معدودی به موضوع ارتباط علت و معلولی رابطه مبادله با تورم پرداخته‌اند. مطالعه‌ای که توسط استیونز [۱۲] (۱۹۹۲) برای اقتصاد استرالیا انجام شده است، حاکیست که در رژیم نرخ ارز ثابت، افزایش رابطه مبادله برای این کشور تورمی بوده است. گرون و شویتزیم [۱۳] (۱۹۹۴) نشان دادند که در رژیم ارز شناور، افزایش در رابطه مبادله در کوتاه مدت به کاهش تورم منجر می‌شود. در سال ۱۹۹۵، گرون و شویتزیم، با هدف کشف ارتباط علت و معلولی رابطه مبادله با تورم داخلی، موضوع را بسط دادند. آنها نتیجه گرفتند که با رژیم نرخ ارز ثابت، افزایش رابطه مبادله تورمی است. در مدل آنها، این رابطه براساس اثر مستقیم قیمت و دو اثر دیگر یعنی اثر درآمدی و جانیشینی تصریح شد و این آثار را به صورت رابطه زیر نشان دادند:

$$\Delta P = \mu + \alpha \Delta TOT + \phi \Phi_X (y + y_N) + \phi \delta_X \Delta TOT \quad (۴)$$

اثر جانیشینی	اثر درآمدی	اثر مستقیم قیمت
(Sub.E)	(Income.E)	(D.P.E)

وقتی رژیم ارزی شناور باشد، افزایش در رابطه مبادله افزایش قدرت خرید واقعی پول داخلی را در پی دارد که واردات را نیز ارزان تر می‌کند و بنابراین اثرات فوق، در این رژیم نه تنها ضعیف نمی‌شود، بلکه در برخی اجزا منجر به کاهش تورم داخلی هم می‌شود. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که تحت هر رژیم ارزی، جهت علیت از رابطه مبادله به سمت تورم است، اما در رژیم نرخ ارز ثابت، افزایش رابطه مبادله تورمی است، حال آن که در رژیم نرخ ارز شناور، افزایش رابطه مبادله می‌تواند کاهش تورم داخلی را در پی داشته باشد.

ج - تعرفه گمرکی: ممکن است کشوری با وضع تعرفه گمرکی، رابطه مبادله را تحت تأثیر قرار دهد. وقتی کشوری تعرفه گمرکی وضع می‌کند، تمایل این کشور برای واردات کمتر می‌شود. همچنین، این کشور با وضع تعرفه به بقیه کشورها اعلام می‌کند که در مقابل مقدار مشخصی از صادرات می‌خواهد میزان بیشتری کالا وارد نماید. در واقع نفس این

عمل، تغییر در تقاضای بین‌المللی است. وقتی کشوری می‌خواهد رابطه مبادله را بهبود دهد، باید مانند یک بنگاه انحصارگر بین‌المللی، قدرت انحصاری در اقتصاد بین‌الملل داشته (کشوری با اندازه تجارت خارجی بزرگ و اثرگذار) و با تقاضایی نسبتاً غیرحساس روبرو باشد. به این ترتیب، تاثیر تعرفه بر رابطه مبادله بستگی به چگونگی وضع تعرفه و کشش‌های منحنی ارائه دارد [۱۴]. به این ترتیب رابطه علیت از تعرفه‌ها به سمت رابطه مبادله است. این رابطه برای کشورهای دارای اقتصاد بزرگ به‌طور محسوسی معنی‌دار است، اما برای کشورهای در حال توسعه که سهمی در اقتصاد جهان ندارند، قابل توجه نیست.

د - تولید: بین تولید و تجارت رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. در این زمینه هابنر [۱۵] (۱۹۵۵) معتقد است که با فرض ثابت بودن سایر عوامل، بهبود رابطه مبادله یک کشور به معنای افزایش تولید آن کشور است، اما اگر رابطه مبادله رو به وخامت گذارد، رابطه آن را با تولید به سهولت نمی‌توان تشخیص داد. تا آنجایی که منافع حاصل از تولید بیشتر از ضررهای حاصل از وخامت رابطه مبادله باشد، وضعیت بعد از تولید بهتر خواهد شد، اما اگر وخامت رابطه مبادله بسیار وسیع باشد، وضعیت کشور بعد از تولید ممکن است بدتر شود و این موضوع به کاهش درآمد واقعی به دلیل وخامت رابطه مبادله منجر می‌شود. باگواتی [۱۶] (۱۹۵۸) این وضعیت را رشد قهقراپی خواند و در مطالعات بعدی طی سال‌های ۱۹۶۸، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۴ آن را بسط داد. جانسون [۱۷] (۱۹۵۵) و باگواتی (۱۹۵۸) در چارچوب دو کشور- دو کالا، وضعیتی را ارائه دادند که در آن وخامت رابطه مبادله می‌تواند بهبود تولید را خنثی نماید. اخیراً در برخی تحقیقات، تغییرات رابطه مبادله نوسانات ستانده را توضیح می‌دهد. در مطالعه مندوزا [۱۸] (۱۹۹۵)، شوک‌های رابطه مبادله تا ۸۸ درصد تغییرات تولید برخی کشورها را توضیح می‌دهد. در این مطالعه، قدرت توضیحی مدل بین دوره‌ای با لحاظ رابطه مبادله بهتر می‌شود. به این ترتیب، روابط علی بین تولید و رابطه مبادله به‌طور صریح از بعد نظری و تجربی مشخص نیست، اما در

برخی مطالعات، از رابطه مبادله به عنوان متغیر توضیحی (علی) تولید استفاده می‌شود.

۵ - نرخ ارز: آثاری که کاهش ارزش پول ملی در مقابل ارزهای خارجی بر تولید دارد، پلی میان کاهش ارزش پول ملی و رابطه مبادله برقرار می‌کند. مطلب اساسی این است که آیا کاهش ارزش پول ملی در مقابل اسعار خارجی، منجر به افزایش قیمت‌های وارداتی نسبت به قیمت‌های صادراتی بر حسب پول ملی می‌شود یا خیر و اینکه آیا این موضوع باعث کاهش تولید از طریق کاهش رابطه مبادله می‌شود یا خیر. در پاسخ باید گفت که تغییرات معکوس در رابطه مبادله ضرورتاً منجر به کاهش تولید واقعی نمی‌شود. کاهش ارزش پول ملی موجب کاهش قیمت کالاهای صادراتی بر حسب پول خارجی و افزایش قیمت کالاهای وارداتی بر حسب پول ملی می‌شود. بنابراین ممکن است چنین نتیجه شود که کاهش ارزش پول ملی به کاهش رابطه مبادله منجر می‌شود، چرا که باعث کاهش قیمت‌های صادراتی و افزایش قیمت‌های وارداتی می‌شود. اما نتیجه فوق صحیح نیست، چرا که مقایسه براساس یک پول واحد صورت نگرفته است. بنابراین، برای بررسی تأثیر کاهش ارزش پول بر رابطه مبادله، مقایسه قیمت‌های صادراتی و وارداتی باید بر حسب یک پول واحد انجام گیرد. بدیهی است که اگر کاهش ارزش پول ملی

منجر به کاهش قیمت‌های صادراتی بیشتر از قیمت‌های وارداتی بر حسب پول داخلی (خارجی) شود، رابطه مبادله به زیان آن کشور تمام می‌شود. بنابراین جهت علیت از نرخ ارز به رابطه مبادله می‌باشد و نرخ ارز به عنوان یکی از متغیرهای توضیحی رابطه مبادله می‌تواند به کار گرفته شود.

۲. سابقه مطالعه و پیشینه تجربی

مطالعات تجربی دامنه‌داری در خصوص روند درازمدت و تغییرات کوتاه‌مدت رابطه مبادله مواد اولیه با کالاهای صنعتی انجام شده است. بعد از جنگ جهانی دوم، همواره در مباحث مرتبط با مبادلات بین‌المللی، موضوع سقوط رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه در بلندمدت مطرح بوده است. در این خصوص مطالعات تجربی کاربردی زیادی انجام شده است. از جمله مطالعه پریش و سینگر نشان دادند که پائین‌بودن کشش درآمدی تقاضا برای کالاهای اولیه و محصولات سنتی در مقایسه با کالاهای صنعتی، ساختار انحصاری بازار در کشورهای صنعتی و شرایط رقابتی در عرضه محصولات اولیه، و پیشرفت‌های فنی که منجر به اقتصادی‌شدن مصرف مواد اولیه وارداتی شده است، سبب شده است که رابطه مبادله به زیان کشورهای در حال توسعه - صادرکننده مواد اولیه - باشد. از جمله می‌توان به برخی از پژوهش‌های مرتبط مطابق جدول (۱) اشاره کرد.

جدول ۱- پاره‌ای از مطالعات تجربی بر گزیده

شرح	دوره مطالعه	نتیجه مطالعه
پریش (۱۹۵۰)	۱۹۳۸-۱۸۷۶	حدود یک‌سوم به زیان مواد اولیه و کشاورزی
بخش اقتصادی UN (۱۹۴۹)	۱۸۸۰ تا شروع جنگ دوم جهانی	حدود ۶۰ درصد به زیان کشورهای تولیدکننده مواد خام
سینگر (۱۹۴۹-۵۰)	۱۸۷۰-۱۹۳۹	کاهش قیمت مواد اولیه (ناشی از تحول ساختاری)
(۴) صندوق بین‌المللی پول (۱۹۸۶)	۸۲-۱۹۵۷	حدود ۳۲ درصد کاهش رابطه مبادله مواد اولیه به صنعت
(۵) اسپرانوس (۱۹۸۰)	۷۷-۱۹۵۰	۲۵/۴ درصد کاهش رابطه مبادله مواد اولیه به صنعت
(۶) UNCTAD (۱۹۷۸)	۷۸-۱۹۶۰	کاهش ۱۱ درصدی رابطه مبادله کشورهای LDCs
(۷) بایروچ (۱۳۷۸)	۱۹۳۸-۱۸۷۰	کاهش رابطه مبادله و معکوس آن از بازاری به بازار دیگر
(۸) UNCTAD (۱۹۹۱)	۹۰-۱۹۶۰	نقصان رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه
(۹) آرسل و میتز (۲۰۰۰)	۹۰-۱۹۸۰	افت چشمگیر تا ۵۰ درصد رابطه مبادله کشاورزی به صنعت
(۱۰) چن و روگوف (۲۰۰۳)	اطلاعات فصلی ۲۰۰۰-۱۹۸۶	واکنش نرخ ارز به تکان‌های قیمت جهانی با سیاست پولی و کنترل تورم
(۱۱) زنیاس (۲۰۰۵)	۱۹۹۸-۱۹۰۰	کاهش یک‌سومی قیمت‌های نسبی کالاهای اولیه نسبت به ابتدای دوره
(۱۲) حسینی و سیدی (۱۳۸۱)	۹۷-۱۹۶۸	بهبود رابطه مبادله با نفت ایران توأم با بالاترین بی‌ثباتی نسبی و دامنه نوسان
(۱۳) حسینی و شاهرادی (۱۳۸۱)	۹۷-۱۹۶۸	کاهش رابطه مبادله ۱۵ محصول از ۲۰ محصول کشاورزی منتخب

شرح	دوره مطالعه	نتیجه مطالعه
(۱۴) حسینی (۱۳۸۲)	۱۹۷۰-۹۸	سه‌صنعت و تنوع آن اثر مثبت و تورم و کاهش نرخ ارز اثر منفی بر رابطه مبادله دارد.

به‌علاوه، از حاصل ضرب رابطه مبادله پایاپای خالص به شاخص حجم صادرات آن، رابطه مبادله درآمدی آن کالا برای سال ۱۹۷۶ به‌دست آمد. در جدول (۲) شاخص حجم صادرات (XIC)، شاخص ارزش صادرات (VXIC)، شاخص ارزش واحد صادرات (UVXIC)، رابطه مبادله پایاپای خالص (TOTNc) و رابطه مبادله درآمدی (TOTIc) فرش دستباف صادراتی به سال پایه ارائه شده است. نتایج حاصل از این جدول نشان می‌دهند که:

(۱) شاخص حجم صادرات فرش دستباف از واحد ۱۰۰ (۶/۸) میلیون مترمربع) در سال ۱۳۵۵ به ۱۵ در سال ۱۳۶۱ شدیداً رو به کاهش گذاشت و از آن سال به بعد با نوسان رو به افزایش نهاد تا با ۵۳۰/۸ واحد در سال ۱۳۷۳ رکورد حجم صادرات فرش شکسته شد و در سال ۱۳۷۴ به‌شدت رو به کاهش گذارد و از این سال تا ۱۳۷۸ تغییر خاصی نداشت و از این سال به بعد به‌تدریج رو به کاهش گذارد و به رقم ۱۵۶/۷۱ در ۱۳۸۶ رسید.

(۲) ارزش صادرات فرش دستباف در این دوره از واحد ۱۰۰ (۹۲/۸) میلیون دلار) در سال ۱۳۵۵ به ۱۴/۹ واحد در سال ۱۳۶۰ به‌شدت روبه کاهش گذارد و از آن سال به بعد با نوسان روبه افزایش گذارد تا اینکه در سال ۱۳۸۳ با رقم بی‌سابقه ۲۲۲۶/۸ واحد رکورد ارزش صادرات فرش دستباف کشور شکسته شد و از این سال به بعد صادرات آن روبه کاهش گذارد تا این که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲ در دامنه ۶۹۰ - ۵۸۰ متغیر بود و مجدداً از سال ۱۳۸۳ رو به کاهش گذارد و در سال ۱۳۸۶ به حدود ۴۳۰ واحد رسید.

(۳) شاخص ارزش واحد صادرات فرش دستباف از واحد ۱۰۰ (۱۳/۶) دلار به ازای هر مترمربع) در سال ۱۳۵۵ با نوسان طی سال‌های بحبوحه انقلاب روبه کاهش گذارد و به ۴۸/۵ واحد در سال ۱۳۶۰ رسید و این شاخص یک مرتبه تا نزدیک ده برابر طی دو سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ بالا رفته و به ارقام ۴۶۹/۲ و ۵۶۷/۹ رسید و مجدداً طی دو سال ۱۳۶۳-۶۴ شدیداً رو به کاهش گذارد و از آن سال تا سال ۱۳۷۳ بانوسان روبه افزایش گذارد و به رقم ۴۲۰ واحد در سال ۱۳۷۳ رسید و مجدداً در

۴. داده‌های آماری

در این مقاله، فرش بافته‌شده از پشم یا از موی نرم (کرک) حیوان با ردیف‌تعرفه ۵۷۰۱۱۰ مطالعه می‌شود [۱۹]. انتخاب آن با توجه به سه ویژگی صورت گرفته است: (۱) در تولید و تجارت جهانی فرش جایگاه مهمی داشته و همچنان دارد؛ (۲) بخش مهمی از تولید آن در بازار جهانی مبادله می‌شود (کالاهای مبادله‌ای)؛ و (۳) آمار مربوط به قیمت جهانی آن توسط نهادهای جهانی معتبر نظیر آنکتاد و یونیدو منتشر می‌شود.

داده‌های آماری مورد استفاده، شاخص قیمت در بازار آزاد در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ بوده که از داده‌های آماری آنکتاد و نرم‌افزار PC-TAS, ITC, 2010 استخراج شده است. نظر به این که واحد اندازه‌گیری قیمت یکسان نبوده است، قیمت سال ۱۳۵۵ به‌عنوان پایه و برابر با صد در نظر گرفته شده است. برای آنکه بتوان رابطه مبادله قیمتی کالایی را محاسبه کرد، شاخص قیمت آن سال پایه، به شاخص ارزش واحد کالاهای صنعتی تقسیم و در عدد ۱۰۰ ضرب شده است. این شاخص برای فرش و دوره فوق محاسبه شده است.

۵. رابطه مبادله تجاری فرش دستباف صادراتی ایران

به‌منظور بررسی روند تغییرات انواع رابطه مبادله فرش صادراتی ایران اقدامات زیر صورت گرفته است: ۱- از جداول تعرفه شماره تعرفه از سیستم هماهنگ و کدگذاری کالا (HS) برای سال‌های ۱۳۷۵ و بعد از آن (کد ۵۷۰۱/۱۰) و سیستم BTN برای سال‌های قبل از ۱۳۷۵ (کد ۵۸۰۱) استخراج شد؛ ۲- میزان و ارزش واردات فرش (به ریال و دلار) برای دوره فوق از سالنامه آماری بازرگانی خارجی استخراج و ارزش واحد آن محاسبه گردید. میزان، ارزش و ارزش واحد به سال پایه ۱۳۵۵ = ۱۰۰ تعدیل یافت و بدین ترتیب شاخص میزان، شاخص ارزش و شاخص ارزش واحد به سال پایه محاسبه شد؛ ۳- از حاصل نسبت شاخص ارزش واحد صادراتی آن به ارزش واحد کل واردات، رابطه مبادله خالص قیمتی محاسبه شد.

سال ۱۳۷۴ به ۲۸۷/۳ واحد رسید و از آن سال به بعد طی سال‌های ۸۵ - ۱۳۷۵ در دامنه ۲۲۰-۱۸۰ تغییر یافت تا اینکه در سال ۱۳۸۶ به ۲۷۳/۴۰ واحد رسید.

(۴) رابطه مبادله قیمتی فرش دستباف از واحد ۱۰۰ در سال ۱۳۵۵ به ۲۶/۹ واحد یعنی تا یک‌چهارم در سال ۱۳۵۸ کاهش یافت و از آن سال به بعد با نوسان شدید روبه افزایش گذارد و به رقم بی‌سابقه ۳۹۱/۴ در سال ۱۳۶۲ رسید و سال بعد به رقم ۱۵۹/۱ واحد سقوط کرد و از آن سال تا سال ۱۳۷۳ با نوسان

روبه بهبود گذارد و به رقم نزدیک ۲۰۰ رسید اما مجدداً از این سال به بعد رابطه مبادله قیمتی فرش دستباف روبه کاهش گذارد به طوری که از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ پیوسته رابطه مبادله قیمتی آن کمتر از ۱۰۰ بوده و به‌ویژه در سال‌های اخیر در حول ۵۰ واحد متغیر بوده است که در واقع گویای آن است که منافع ناشی از صادرات فرش به نصف سال‌های ابتدای دوره رسیده است.

جدول ۲- رابطه مبادله قیمتی و درآمدی فرش دستباف صادراتی ایران طی سال‌های ۸۶-۱۳۵۵

(۱۰۰=۱۳۵۵)

رابطه مبادله درآمدی (TOTIC)	رابطه مبادله قیمتی (TOTIC)	شاخص ارزش واحد صادرات (UVXIC)	شاخص ارزش صادرات (VXIC)	شاخص حجم صادرات (XIC)	شرح
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۳۵۵
۸۰/۱	۹۲/۶	۱۰۱/۶	۸۷/۹	۸۶/۵	۱۳۵۶
۶۳/۵	۸۶/۵	۱۰۸/۵	۷۹/۷	۷۳/۵	۱۳۵۷
۲۹/۶	۲۶/۹	۳۹/۰	۴۲/۹	۱۱۰	۱۳۵۸
۲۸/۳	۳۷/۸	۶۰/۷	۴۵/۴	۷۴/۸	۱۳۵۹
۹/۹	۳۲/۱	۴۸/۵	۱۴/۹	۳۰/۸	۱۳۶۰
۴۷/۷	۳۱۹/۰	۴۶۹/۲	۷۰/۲	۱۵	۱۳۶۱
۶۳/۱	۳۹۱/۴	۵۶۷/۹	۹۱/۶	۱۶/۱	۱۳۶۲
۶۷/۷	۱۵۹/۱	۲۳۴/۷	۹۵/۵	۴۲/۵	۱۳۶۳
۶۲/۸	۱۰۴/۵	۱۴۷/۶	۸۸/۷	۶۰/۱	۱۳۶۴
۲۳۴/۲	۱۵۶/۶	۲۴۵/۶	۳۶۷/۳	۱۴۹/۶	۱۳۶۵
۲۹۹/۱	۱۶۳/۲	۲۷۵/۲	۵۰۴/۳	۱۸۳/۳	۱۳۶۶
۱۲۶/۸	۱۱۵/۱	۲۰۹/۹	۲۳۱/۱	۱۱۰/۱	۱۳۶۷
۲۰۳/۲	۱۶۰/۶	۲۹۲/۷	۳۷۰/۴	۱۲۶/۵	۱۳۶۸
۲۷۹/۵	۱۷۶/۵	۳۴۶/۰	۵۴۸/۰	۱۵۸/۴	۱۳۶۹
۶۳۹/۸	۲۱۷/۱	۴۲۵/۷	۱۲۵۴/۶	۲۹۴/۷	۱۳۷۰
۵۹۳/۵	۲۰۴/۴	۴۰۸/۹	۱۱۸۷/۱	۲۹۰/۳	۱۳۷۱
۷۲۰/۹	۱۷۰/۱	۳۳۶/۹	۱۴۲۷/۷	۴۲۳/۸	۱۳۷۲
۱۰۵۱/۶	۱۹۸/۱	۴۱۹/۵	۲۲۲۶/۸	۵۳۰/۸	۱۳۷۳
۳۸۷/۰	۱۰۵/۴	۲۸۷/۳	۱۰۵۴/۸	۳۶۷/۲	۱۳۷۴
۲۸۲/۶	۹۰/۱	۲۲۰/۷	۶۹۲/۶	۳۱۳/۸	۱۳۷۵
۲۹۸/۶	۸۶/۰	۱۹۷/۲	۶۸۵/۲	۳۴۷/۵	۱۳۷۶
۲۶۷/۹	۸۴/۲	۱۹۳/۱	۶۱۴/۵	۳۱۸/۲	۱۳۷۷
۲۸۸/۳	۷۴/۷	۱۹۳/۲	۷۴۴/۹	۳۸۵/۷	۱۳۷۸

شرح	شاخص حجم صادرات (XIC)	شاخص ارزش صادرات (VXIC)	شاخص ارزش واحد صادرات (UVXIC)	رابطه مبادله قیمتی (TOTNc)	رابطه مبادله درآمدی (TOTIC)
۱۳۷۹	۳۷۴/۵	۶۶۷/۷	۱۷۸/۳	۷۳/۵	۲۵۷/۱
۱۳۸۰	۳۲۹/۹	۵۹۵/۹	۱۸۰/۶	۶۳/۹	۲۱۱/۱
۱۳۸۱	۳۰۶/۵۴	۵۵۴/۲۷	۱۸۰/۸۰	۴۹/۶۱	۱۵۲/۰۷
۱۳۸۲	۲۹۸/۷۸	۵۸۰/۸۹	۱۹۴/۳۴	۴۹/۹۳	۱۴۹/۱۸
۱۳۸۳	۲۶۴/۸۰	۵۲۶/۶۲	۱۹۸/۸۳	۴۳/۹۳	۱۱۶/۳۳
۱۳۸۴	۲۳۵/۸۰	۴۹۶/۰۱	۲۱۰/۴۶	۴۱/۱۳	۹۶/۹۸
۱۳۸۵	۲۰۲/۷۰	۴۴۹/۱۳	۲۲۱/۵۹	۵۲/۴۳	۱۰۶/۲۸
۱۳۸۶	۱۵۶/۷۱	۴۲۸/۴۳	۲۷۳/۴۰	۵۲/۴۲	۸۳/۷۱
کمترین دوره	۱۵	۱۴/۹	۳۹/۰	۲۶/۹	۹/۹
بیشترین دوره	۵۳۰/۸	۲۲۲۶/۸	۵۶۷/۹	۳۹۱/۴	۱۰۵۱/۶
نسبت دو ردیف بالا	۳۵/۳۹	۱۴۹/۴۵	۱۴/۵۶	۱۴/۵۵	۱۰۶/۲۲

ماخذ: نتایج حاصل از تحقیق

۱) افزایش صادرات کالاهای صنعتی و ارتقای سهم آن در کل صادرات غیرنفتی در بهبود رابطه مبادله خالص کل تجارت مؤثر است. ۲) کاهش ارزش خارجی پول ملی در رو به وخامت گذاشتن رابطه مبادله خالص کل تجارت تاثیر دارد. ۳) با وجود کوچکی اندازه اقتصاد ایران و درونگرایی نسبی آن، افزایش نرخ تعرفه گمرکی در بهبود رابطه مبادله خالص کل تجارت مثبت است اما ضریب آن به سبب سهم کوچک اقتصاد و تجارت بین‌المللی ایران در اقتصاد جهانی، رقم قابل ملاحظه‌ای نبوده و از لحاظ معناداری آماری نیز ضعیف ارزیابی می‌شود. ۴) افزایش شاخص هرفیندال صادرات در بهبود رابطه مبادله خالص کل تجارت مؤثر بوده، اما افزایش شاخص هرفیندال واردات بر رابطه مبادله خالص کل تجارت اثر منفی دارد. همین‌طور، نتایج حاصل از رابطه بلندمدت رابطه مبادله درآمدی کل تجارت با متغیرهای کلان اقتصادی گویای آن است که: افزایش رشد تولید ناخالص ملی (GNP)، افزایش شاخص هرفیندال صادرات و واردات در بهبود رابطه مبادله درآمدی کل تجارت اثر مثبت دارد و رابطه مبادله خالص کل تجارت ایران در بلندمدت رو به نقصان (وخامت) می‌گذارد [۲۱]. در ادامه متغیرهای اثرگذار بر رابطه مبادله عام و خاص بر فرش دستباف تحلیل می‌شود:

الف - ساختار کالایی: طی چند دهه اخیر، در بعضی از کشورهای در حال توسعه تحول ساختار کالایی صادرات از کالاهای اولیه

۵) رابطه مبادله درآمدی فرش دستباف از واحد ۱۰۰ در سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۰ پیوسته روبه کاهش شدید گذاشت به طوری که در سال ۱۳۶۰ به یک‌دهم رقم ابتدای دوره رسید و از آن سال به بعد تا سال ۱۳۶۶ پیوسته رو به افزایش نهاد، اما بلافاصله در سال بعد افت چشمگیری یافت. از این سال به بعد تا سال ۱۳۸۳ پیوسته رابطه مبادله درآمدی روند صعودی فزاینده‌ای داشت و در سال ۱۳۷۳ با رسیدن به سطح ۱۰۵۱/۶ رکورد رابطه مبادله درآمدی صادرات آن شکسته شد. بهبود رابطه مبادله خالص و افزایش حجم صادرات در این سال‌ها در بهبود رابطه مبادله درآمدی نقش مهمی ایفا نموده است. ولی از آن سال به بعد طی دوره ۸۶-۱۳۷۴ به سبب افت قابل ملاحظه رابطه مبادله خالص و شاخص حجم صادرات، رابطه مبادله درآمدی فرش نیز شدیداً رو به کاهش گذارد و از ۱۰۵۱/۶ در سال ۱۳۷۳ به ۸۳/۷۱ واحد؛ و تا نزدیک یک‌سیزدهم در سال ۱۳۸۶ کاهش یافت.

۵. تحلیل متغیرها و سیاست‌های مؤثر بر بهبود رابطه مبادله فرش دستباف صادراتی ایران

در ادامه متغیرها و سیاست‌های اثرگذار بر رابطه مبادله مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در قسمت‌های قبلی زیربنای تئوریک و نتایج تجربی رابطه بین متغیرهای اقتصادی و رابطه مبادله ارائه شد. بر اساس آنچه در خصوص رابطه بلندمدت رابطه مبادله با متغیرهای اقتصادی به دست آمده است، نتیجه می‌شود که:

۶. تحلیل بازار جهانی فرش از دو بعد شرکای تجاری و رقبای تولید

۶-۱. تحلیل بازار جهانی فرش از جنبه شرکای تجاری

در بازار آمریکا ایران سومین صادرکننده عمده تا سال ۲۰۱۱ پس از هند و چین بوده است. هم‌اینک تحت تحریم صادرات محموله‌های فرش، صادرات قانونی به صفر کاهش یافته است. هرچند صادرات ایران به خاورمیانه، ترکیه، برخی از کشورهای اروپایی و روسیه کماکان تداوم دارد، اما به دلیل تحریم‌ها و کمبود مواد اولیه مرغوب در داخل، تورم بالا، شاهد کاهش هرگونه مزیت هزینه‌ای که تاکنون وجود داشته است، هستیم پیش‌بینی می‌شود به لحاظ هزینه‌ای ایران در این بازار نامطلوب‌ترین وضعیت نسبت به رقبا پیدا کند. انگیزه کمی برای ایجاد سبک و مدل‌های جدید و یا ایجاد تمایز از سوی صادرکنندگان ایرانی به چشم می‌خورد. هرچند به نظر می‌رسد بواسطه تنوع تاریخی در فرش‌های دستبافت هنوز امکان بهبود موقعیت ایران وجود داشته باشد.

در هامبورگ دو دهه پیش بیش از ۳۰۰ شرکت در کار واردات فرش‌های دستبافت از ایران بودند، این تعداد اینک به ۴۵ شرکت تنزل یافته است. عدم توان رقابت با فرش‌های ارزان قیمت چینی و یا هندی و تأمین نکردن ذائقه خریداران مدرن غربی که یک فرش ساده از فروشگاه Ikea را بر فرش دستبافت ایرانی ترجیح می‌دهد، در کنار تشدید تحریم‌های بین‌المللی موجب از رونق افتادن تجارت فرش در هامبورگ که به واسطه معافیت از عوارض وارداتی محل دپوی فرش ارسالی به بازارهای اروپایی و امریکای شمالی بود، شده است. تحریم کامل واردات فرش از ایران توسط ایالات متحده برای تجار فرش هامبورگ نیز بسیار سنگین آمده است [۲۰]. ایران انتظار داشت صادرات ۶۰۰ میلیون دلاری سال ۲۰۱۱ خود را به یک میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ برساند که با وجود تداوم این تحریم‌ها این امکان عملاً وجود ندارد. در حال حاضر بخش عمده فرش ایران روانه بازارهایی چون امارات متحده، چین و روسیه می‌شود.

جداول (۳) تحولات در میان خریداران فرش دستبافت در بازار جهانی در طی دو دهه را به تصویر کشیده است. در دهه

به سمت کالاهای صنعتی تا حدودی تأثیرات سوء ناشی از رو به کاهش بودن قیمت‌های نسبی صادرات این کشورها را تخفیف داده است و می‌توان نتیجه گرفت که تغییر ساختار کالایی کشورهای درحال توسعه به سمت کالاهای ساخته شده باکیفیت و رقابتی در بهبود رابطه مبادله آن کشورها مؤثر است.

ب - تورم: به نظر می‌رسد که در هر رژیم ارزی، جهت علیت از رابطه مبادله به سمت تورم است، اما تحت رژیم نرخ ارز ثابت، افزایش رابطه مبادله تورمی است، حال آنکه در رژیم نرخ ارز شناور، افزایش رابطه مبادله می‌تواند کاهش تورم داخلی را در پی داشته باشد.

ج - تعرفه گمرکی: ممکن است کشوری با اعمال سیاست تجاری به ویژه وضع تعرفه، رابطه مبادله را تحت تأثیر قرار دهد. وقتی کشوری تعرفه وضع می‌کند، تمایل این کشور برای واردات کمتر می‌شود. به این ترتیب، رابطه علیت از تعرفه به سمت رابطه مبادله است. این رابطه برای کشورهای دارای اقتصاد بزرگ به طور محسوسی معنی دار است، اما برای کشورهای درحال توسعه که سهم کوچکی در اقتصاد بین‌الملل دارند، قابل توجه نیست. وضع تعرفه ۵۰ درصدی برای دسترسی به بازار داخلی فرش دستبافت، به مزیت رقابتی صادراتی فرش دستبافت کشور می‌تواند آسیب برساند.

د- تولید: هرچند روابط علی تولید با رابطه مبادله به طور صریح از بعد نظری و تجربی مشخص نیست اما در برخی مطالعات، از رابطه مبادله به عنوان متغیر توضیحی (علی) تولید استفاده می‌شود.

ه- نرخ ارز: بدیهی است که اگر کاهش ارزش پول ملی منجر به کاهش قیمت‌های صادراتی بیشتر از قیمت‌های وارداتی بر حسب پول داخلی (خارجی) شود، رابطه مبادله به زیان آن کشور تمام می‌شود. بنابراین جهت علیت از نرخ ارز به رابطه مبادله است.

۱۹۹۰ آلمان به تنهایی ۴۳ درصد از فرش صادراتی جهان را جذب می‌کرد و علاوه بر تامین تقاضای داخلی بخشی را نیز به سایر کشورهای اروپایی صادرات مجدد می‌نمود. اتحاد دو آلمان و هزینه‌های سنگین بازسازی در بخش شرقی و کاهش قدرت خرید متقاضیان فرش تا حدود زیادی این کالا را از رونق انداخت. کاهش سهم این کشور به ۱۱/۵ درصد از کل واردات جهانی در سال ۲۰۰۹ نمایانگر این تغییر است. تغییر تقاضا در آلمان، این کشور را به خریدار فرش‌های با کیفیت متوسط تا کیفیت پایین (زیر ۵۰ گر در هر اینچ مربع) مبدل ساخته و فرش ایرانی را در رقابت با فرش‌های ارزان نپالی، هندی، و چینی قرار داده است. در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ که تحریم خرید فرش ایرانی حتی از طریق آلمان رخ داده و دلالتان فرش ۱۵ درصد صادرات خود به آمریکا را فرش‌های ایرانی تشکیل می‌داد، اثرات تحریم روی واردات آلمان نسبتاً سنگین بوده است.

در بازار ایالات متحده نیز با رشد بطئی واردات فرش دستبافت مواجهیم بگونه‌ای که در عرض این دو دهه سهم این

کشور از ۱۲ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۱۴/۹ درصد افزایش یافته، افزایش تقاضا برای فرش‌های ماشینی و رکود تقاضا، فرش دستبافت را از رونق انداخته است. بازار فرش دستبافت از رکود اقتصادی سال‌های ۹-۲۰۰۸ ضربه خورده است. در بازار ایالات متحده برتری با فرش‌های کیفیت بالا و متوسط است و در این بازار هند در کنار چین و پاکستان بازار را در غیبت ایران میان خود تقسیم کرده‌اند.

در سال ۱۹۹۳ ده کشور عمده واردکننده ۸۶/۵ درصد از کل واردات را جذب کرده‌اند، در حالی که تنوع بازارهای فرش و ورود خریدارانی در کشورهای تازه ورود مانند کانادا، فرانسه، هلند، کشورهای اروپای شرقی با درآمد بالا مانند لهستان و جمهوری چک موجب شده در سال ۲۰۰۹ بیش از ۱۵ خریدار عمده سهمی معادل ۷۲ درصد از بازار را در اختیار داشتند. افزایش درآمد سرانه در اقتصادهای نوظهور مانند روسیه، برزیل و آفریقای جنوبی این کشورها را به جرگه خریداران فرش کشانده است.

جدول ۳- ترکیب عمده‌ترین واردکنندگان فرش طی دو سال ۱۹۹۳ و ۲۰۰۹

رتبه	۱۹۹۳			۲۰۰۹		
	کشور	سهم (%)	سهم تجمعی (%)	کشور	سهم (%)	سهم تجمعی (%)
۱	آلمان	۴۳	۴۳	ایالات متحده	۱۴/۹	۱۴/۹
۲	ایالات متحده	۱۲	۵۵	آلمان	۱۱/۵	۲۶/۴
۳	ژاپن	۸	۶۳	انگلستان	۱۰/۳	۳۶/۷
۴	ایتالیا	۶	۶۹	کانادا	۶/۵	۴۳/۲
۵	سوئیس	۵	۷۴	فرانسه	۴/۹	۴۸/۱
۶	انگلستان	۴	۷۸	ژاپن	۴/۷	۵۲/۸
۷	اتریش	۴	۸۲	هلند	۳/۴	۵۶/۲
۸	بلژیک	۲	۸۴	استرالیا	۲/۵	۵۸/۷
۹	سوئد	۱/۵	۸۵/۵	ایتالیا	۲/۲	۶۰/۹
۱۰	استرالیا	۱	۸۶/۵	بلژیک	۲/۱	۶۳
۱۱				لهستان	۲	۶۵
۱۲				سوئیس	۱/۹	۶۶/۹
۱۳				اتریش	۱/۹	۶۸/۷
۱۴				چک	۱/۷	۷۰/۵
۱۵				سوئد	۱/۷	۷۲/۱

Source: <http://data.un.org/Data.aspx?d=ComTrade>

۶-۲. تحلیل بازار جهانی فرش از جنبه رقبا (عمده تولیدکنندگان)

با وجود ۲/۵ میلیون بافنده فرش در هند اکثر آنان از دستمزدهای مناسبی برخوردار نیستند و صاحبان کارگاه‌ها با آموزش‌های یک‌ماهه به زنان در مناطق روستایی آنان را برای تولید فرش به کار می‌گیرند. در سال ۲۰۱۱ افزایش ۳۰ درصدی دستمزد بافندگان به توسط دولت، ضمن افزایش میزان جذب کارگران به این صنعت و موج توسعه محصول توسط تولیدکنندگان فرش هند، به کاهش مزیت قیمتی سابق هند در بازار جهانی منجر شد. قوی‌تر شدن روپیه هند در برابر دلار آمریکا، کاهش بافندگان ماهر به منظور تکمیل سفارشات صادراتی در کنار افزایش هزینه‌های تولید، صنعت فرش هند را تهدید می‌کند، به‌علاوه در شرایط رکودی، خریداران فرش را با قیمت‌های قدیمی تقاضا می‌کنند. در این شرایط، سازمان‌های دولتی و موسسات مالی باید گام‌های رو به جلو برای احیا و تقویت صنعت فرش بردارند. مؤسسات و نهادهای پژوهشی مانند IIT دهلی با ارائه فن‌آوری، الزامات عملکردی و برنامه‌های آموزشی مفید نقش مهمی در توسعه این صنعت ایفا می‌کنند.

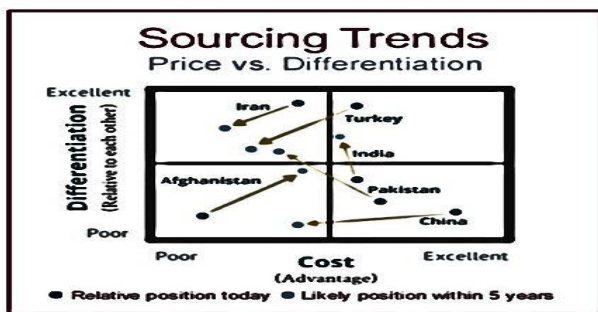
در چین صنعت فرش دستبافت توسط دولت مرکزی هدایت می‌شود، وجود کارگر ارزان و کپی‌برداری طرح‌های صادراتی کشورهای مطرح مانند ایران در دو دهه پیش، چین را به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان فرش در بازار جهانی مطرح ساخته است. هرچند در سال ۲۰۱۰ به‌نظر می‌رسد توسعه جدید در این صنعت متوقف شده و افزایش قیمت ۱۰۰ درصدی دست‌بافته‌های چینی، این کشور را از بازار خارج خواهد ساخت.

در ترکیه عرضه فرش دستبافت تابع تقاضای بازار کشورهای اروپایی است. ترکیبی از بازنشستگی بافندگان و ایجاد سایر فرصت‌های شغلی برای بافندگان، فرش دستبافت را به حاشیه رانده است.

پاکستان از مهمترین عرضه‌کنندگان فرش و تابلو فرش در بازار جهانی است. فرش مهم‌ترین عامل اشتغال فقرای روستایی و محل ارتزاق بیش از ۱/۵ میلیون نفر که بخش عمده آنان را زنان

تشکیل می‌دهند، است [۲۲]. شرکت‌های فعال فرش، خلاقانه با تمرکز بر روی محصولات با ارزش افزوده بالاتر هستند. مضافاً این‌که بافندگان افغانی-پاکستانی به یک مزیت هزینه‌ای معنی‌دار بیشتر از هند و چین دست‌یافته‌اند.

در تمامی رقبا فقدان اصلاحات در سیستم تولید مانع رشد بهره‌وری و تولید سازمان‌یافته شده و کمبود پشم فرش درجه‌یک برای فرش هند و ایران که متکی به واردات مقدار زیادی از پشم هستند و قیمت آن در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است. افزایش رقابت میان تولیدکنندگان عمده در شرایطی که افزایش قیمت نهاده‌ها و کمبود نیروی کار ماهر در بخش پردازش نهایی رخ داده و به افزایش قیمت تمام‌شده منجر شده که به قیمت نهایی منتقل نشده است، لذا به تحلیل قدرت صادرکنندگان و افزایش قدرت چانه‌زنی خریداران منجر شده است. نمودار زیر روندهای منابع موجد مزیت هزینه‌ای و تمایز شش بازیگر و رقیب اصلی در بازار جهانی تولید فرش دستبافت در ۵ سال اخیر را نشان می‌دهد که گویای ارتقای مزیت هزینه‌ای و تمایز توامان افغانستان و تا حدی هند، کاهش مزیت هزینه‌ای و تمایز توامان ایران، ترکیه و چین و کاهش مزیت هزینه‌ای پاکستان در عین بهبود مزیت تمایز (رقابتی و ارتقای کیفیت) است.



جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

نتایجی که در زمینه رابطه مبادله فرش دستبافت صادراتی ایران به دست آمد، به اجمال به شرح زیر است:

۱) شاخص حجم صادرات فرش (دستبافت) طی دوره مورد مطالعه با حداقل ۱۵ واحد در سال ۱۳۶۱ و حداکثر ۵۳۰/۸ واحد در سال ۱۳۷۳ روبه‌رو بوده است که نسبت حداکثر شاخص

حجم صادرات فرش به حداقل آن در طی دوره نزدیک ۳۶ برابر است که بی‌ثباتی نسبی بالا و دامنه نوسان شدید حجم صادرات فرش کشور را نشان می‌دهد. همین‌طور، شاخص ارزش صادرات فرش در این دوره از حداقل ۱۴/۹ واحد در سال ۱۳۶۰ تا حداکثر (رقم بی‌سابقه) ۲۲۲۶/۸ واحد در سال ۱۳۷۳ در نوسان بوده است که حاصل نسبت حداکثر شاخص ارزش صادرات فرش به حداقل آن در طی دوره نزدیک ۱۵۰ برابر است که در واقع بی‌ثباتی به‌شدت بالا و دامنه نوسان شدید آن را حتی در مقایسه با حجم صادرات آن نشان می‌دهد. شاخص ارزش واحد صادرات فرش دستباف طی دوره با حداقل ۳۹ واحد در سال ۱۳۵۸ و حداکثر ۵۶۷/۹ واحد در ۱۳۶۲ روبه‌رو بوده است که نسبت حداکثر شاخص ارزش واحد صادرات فرش به حداقل آن در طی دوره نزدیک ۱۵ برابر است که باز هم بی‌ثباتی نسبی و دامنه نوسان شدید حجم صادرات فرش ایران را نشان می‌دهد.

۲) رابطه مبادله قیمتی فرش (دستباف) از واحد ۱۰۰ در سال ۱۳۵۵ به ۲۶/۹ واحد یعنی تا یک‌چهارم در سال ۱۳۵۸ کاهش یافت و از آن سال به بعد با نوسان شدید روبه‌افزایش گذارد و به رقم بی‌سابقه ۳۹۱/۴ در سال ۱۳۶۲ رسید و سال بعد به رقم ۱۵۹/۱ واحد سقوط کرد و از آن سال تا سال ۱۳۷۳ با نوسان روبه‌بهبود گذارد و به رقم نزدیک ۲۰۰ رسید ولی مجدداً از این سال به بعد رابطه مبادله قیمتی آن رو به کاهش گذارد به طوری که از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۶ پیوسته رابطه مبادله قیمتی آن کمتر از ۱۰۰ بوده و به‌ویژه در سال‌های اخیر در حول ۵۰ واحد، به نصف سال‌های ابتدای دوره رسیده است.

۳) رابطه مبادله درآمدی فرش (دستباف) از واحد ۱۰۰ در سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۰ پیوسته روبه‌کاهش شدید گذاشت به طوری که در سال ۱۳۶۰ به یک‌دهم رقم ابتدای دوره رسید و از آن سال به بعد تا سال ۱۳۶۶ پیوسته رو به افزایش گذاشت، اما بلافاصله در سال بعد افت چشمگیری یافت. از این سال به بعد تا سال ۱۳۷۳ پیوسته رابطه مبادله درآمدی روند صعودی فزاینده‌ای داشته است و در سال ۱۳۷۳ با

رسیدن به ۱۰۵۱/۶ واحد رکورد رابطه مبادله درآمدی صادرات فرش ایران شکسته شد. بهبود رابطه مبادله خالص و افزایش حجم صادرات در این سال‌ها در بهبود رابطه مبادله درآمدی نقش مهمی ایفا نمود. ولی از آن سال به بعد طی سال‌های ۸۶-۱۳۷۴ به سبب افت رابطه مبادله خالص و شاخص حجم صادرات آن، رابطه مبادله درآمدی فرش دستباف نیز شدیداً رو به کاهش گذارد و از ۱۰۵۱/۶ واحد در سال ۱۳۷۳ به ۸۳/۷ واحد در سال ۱۳۸۶ یعنی تا نزدیک به یک‌سیزدهم کاهش یافته است.

۴) از مطالعه تطبیقی نتایج حاصل از محاسبه رابطه مبادله قیمتی و درآمدی فرش دستباف صادراتی ایران طی دوره نتیجه می‌شود که رابطه مبادله خالص و درآمدی فرش دستباف ایران، هر دو همسو با هم رو به کاهش گذاشته است. البته تا سال ۱۳۷۳ با افزایش بی‌رویه حجم صادرات فرش توام با سقوط قیمت صادراتی آن، رابطه مبادله درآمدی روبه‌بهبود گذارد، ولی از آن سال به بعد به‌خصوص در دهه ۱۳۸۰ حجم صادرات آن روبه‌کاهش گذارد و لذا هر دو رابطه مبادله رو به کاهش گذاشته و در واقع هم منافع قیمتی و هم منافع درآمدی صادرات فرش دستباف کاهش یافته است.

۵) از تحلیل روندهای منابع موجد مزیت از دو بعد هزینه‌ای و تمایز شش‌بازیگر و رقیب اصلی در بازار جهانی تولید فرش دستباف در پنج سال اخیر گویای ارتقای مزیت هزینه‌ای و تمایز توامان افغانستان و تا حدی هند، کاهش مزیت هزینه‌ای و تمایز توامان ایران، ترکیه و چین و کاهش مزیت هزینه‌ای پاکستان در عین بهبود مزیت تمایز (رقابتی و ارتقای کیفیت) است.

۶) قیمت صادراتی فرش دستباف ایران از سه بعد رقبای تولید، شرکای تجاری و عوامل موجد مزیت در داخل شدیداً متاثر است. از بعد رقبای تولید جهانی، روندهای منابع موجد مزیت از دو بعد هزینه‌ای و تمایز شش‌بازیگر و رقیب اصلی در بازار جهانی تولید فرش دستباف در پنج سال اخیر گویای ارتقای مزیت هزینه‌ای و تمایز توامان افغانستان و هند و تا حدی پاکستان، در بازار جهانی است که در کاهش قیمت جهانی و متعاقباً قیمت صادراتی و کاهش سهم بازار صادراتی ایران

موثر بوده است. از بعد شرکای تجاری، جابجایی سهم شرکا و از دست رفتن شرکای اصلی، رکود حاکم و محدودیت‌های تجاری بر صادرات در قیمت صادرات بی‌تاثیر نبوده است و نهایتاً عوامل موجد مزیت هزینه‌ای و تمایز ایران در صادرات فرش به جهان شدیداً روبه کاهش گذارده است.

با این جمع‌بندی، توصیه‌ها و پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

(۱) کاهش رابطه مبادله قیمتی (پایپای خالص) فرش ایران اساساً می‌تواند از دو جنبه رقابتی تولید و شرکای تجاری در بازار جهانی متأثر باشد و لذا ضرورت دارد به راهبرد توسعه بازار و بازاریابی آن اهتمام ورزید و در این راهبرد نه تنها بایستی به ارتقای عوامل موجد مزیت هزینه‌ای و تمایز توجهی خاص داشت، بلکه وضعیت، موقعیت و چشم‌انداز تولید رقابتی را رصد و تحلیل نموده تا بتوان از فرصت‌های به‌دست آمده از جابجایی روندهای سهم شرکا و رونق بازارها به نحو مطلوب استفاده نموده و از تحدیدهای تجاری خاص صادرات فرش ایران مانع گردید.

(۲) نظر به بحران مالی جهانی و به تبع آن بحران اقتصادی در جهان، احتمال کاهش رشد اقتصادی جهان و به خصوص رشد منفی دو متقاضی بزرگ در بازار جهانی فرش دستباف- آمریکا و اتحادیه اروپا- جدی است و از این رو برای جلوگیری از سقوط قیمت فرش و به تبع آن رابطه مبادله قیمتی، مدیریت بازار، جابه‌جایی به اقتصادهای کمتر متأثر از این بحران و مشوق‌های توسعه صادرات الزامی است.

(۳) نتایج کلی حاصل از بررسی‌ها حاکی از آن است که تنوع کالایی صادرات غیرنفتی و پرهیز از تمرکز شرکای تجاری (دستیابی به بازارهای مصرف نهایی در فرش صادراتی و بازارهای تولید اصلی در کالاهای وارداتی) در بهبود رابطه مبادله صادرات مؤثر است و به‌علاوه روند افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش ارزش پول ملی (بدون تحولات جدی در ساختار اقتصاد) در رو به وخامت گذاشتن رابطه مبادله صادرات کالایی تأثیر دارد و مضافاً سیاست تجاری در بهبود رابطه مبادله اثر دارد، ولی به سبب سهم کوچک اقتصاد و تجارت بین‌المللی ایران در اقتصاد جهانی، این روابط

چندان معنی‌دار نبوده است. بنابراین، آنچه از نتایج تحقیق و بررسیها در راستای توصیه‌های سیاستی می‌توان به‌کار گرفت، این است که سیاستگذاران اقتصادی بخصوص در قلمرو سیاستهای صنعتی- تجاری باید به «تحول در ساختار کالایی صادرات غیرنفتی» و «توسعه تنوع در شرکای تجاری» و «هماهنگی بین سیاست‌های پولی و ارزی و ثبات نسبی آنها» و «اصلاح تدریجی سیاست تجاری فعلی جهت ارتقای مزیت رقابتی صادرات فرش دستباف کشور» توجه خاص نمایند.

(۴) نکته آخر این که، ظهور کالاهایی جدید در صادرات غیرنفتی و توسعه کمی و کیفی صادرات آن کالاها توأم با بی‌ثباتی نسبی بالا و نوسان شدید در عرضه صادرات فرش دستباف و رکود بازار فرش دستباف ایران و جهان، سبب شده است که سهم فرش دستباف از صادرات کالاهای غیرنفتی ایران رو به کاهش گذارد. البته این امر فی‌نفسه امر نامطلوبی نیست، مهم این است که بتوان از ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و توانمندی‌های تولیدی-صادراتی فرش دستباف کشور در توسعه بازار و بازاریابی آن اهتمام ویژه و توجهی جدی بعمل آورد.

پی‌نوشت

1. Terms of trade (TOT).
2. Ricardo, David.
3. Marshal, Alferd.

۴. در ابتدا ریکاردو در نظریه معروف "هزینه‌های نسبی (Comparative Costs)"، انجام مبادلات بین دو کشور و دو کالا را در فاصله معین از تغییرات نرخ مبادله، متضمن منافع برای طرفین معامله دانست. سپس، جان استوارت میل (John Stuart Mill) با دخالت دادن عامل تقاضای متقابل نشان داد که مبادله فقط در نقطه‌ای انجام می‌شود که کشش و حجم تقاضای متقابل دو کشور برای کالاهای یکدیگر وجود دارد. این نقطه را که "رابطه مبادله طرفین (Terms of interchange) می‌نامند، اولین بار آلفرد مارشال جهت تعیین منافع طرفین مبادله به کار برد. بدین ترتیب، ریکاردو صریحاً رابطه مبادله را تعیین نکرد و تنها به نشان دادن ارزش تعادلی میان نسبت‌های هزینه‌نسبی دو کشور با

واردات را افزایش دهد. بنابراین، نتیجه امر به اندازه میل نهایی به واردات و کشش قیمتی تقاضا برای واردات بستگی دارد که ممکن است موجب انتقال رابطه مبادله به سمت بهبود یا وخامت شود.

- 15.Haberler.
- 16.Bhagwati.
- 17.Johnson.
- 18.Mendoza.

۱۹. نظام هماهنگ و طبقه‌بندی کالا، شامل ۲۱ قسمت و ۹۸ فصل است. قسمت یازدهم، موادنسجی و مصنوعات از این مواد را در برمی‌گیرد. مبنای طبقه‌بندی کالایی از سال ۱۳۷۵ نظام طبقه‌بندی کالایی HS است، اما برای سال‌های قبل از آن بر مبنای نظام طبقه‌بندی بروکسل (BTN) بوده است. قسمت ۱۱ شامل فصول ۵۰ تا ۶۳ است که فصل ۵۷ شامل فرش و سایر کف‌پوشها از مواد نسجی است که جمعاً ۵ شماره تعرفه چهار رقمی را در بر دارد.

20.Reuters, Sanctions pull rug from under Persian carpet trade Apr 24, 2012.

۲۱. حسینی، ۱۳۸۲.

22.Fibre2fashion News, Pakistani hand knotted carpets again in demand, Oct 15, 2011.

منابع

حسینی، میر عبدالله و میرهادی سیدی، "بررسی رفتار رابطه مبادله بازرگانی خارجی ایران"، پژوهشنامه بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، سال ۶، شماره ۲۲، بهار، صص ۵۶-۲۲، ۱۳۸۱.

حسینی، میرعبداله و میرهادی سیدی، بررسی رابطه مبادله بازرگانی ایران از منظر کالایی و شرکای تجاری، مقاله ارائه شده در هفتمین همایش صادرات غیرنفتی کشور. اتاق بازرگانی، صنایع و معادن تبریز، تبریز، ۲۱ و ۲۲ مهر ماه، ۱۳۸۰.

حسینی، میرعبداله. "شناسایی عوامل اثرگذار بر رابطه مبادله ایران"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال ۱۱، شماره ۲۷، پاییز، صص ۲۸-۳، ۱۳۸۲.

حسینی، میرعبداله و سعید راسخی، تعیین ارتباط بلندمدت

فرض فناوری خطی اکتفا کرد. حال آن‌که، جان استوارت میل با طرح موضوع "عرضه و تقاضای متقابل" راه را برای مارشال به منظور تبیین و بررسی منحنی ارائه، باز کرد. مارشال نیز نشان داد که مازاد عرضه و تقاضای دو کالا در هر کشوری تابعی از رابطه مبادله - که ارزش تعادلی مازاد عرضه جهانی را برابر صفر کند- است. در ادبیات و چارچوب نظری جدید اقتصادی، تاثیر ترجیحات تقاضای مصرف‌کننده در رابطه مبادله نقش مهمی ایفا می‌کند، بدین قرار که ارزش تعادلی رابطه مبادله با استفاده از تابع ترجیحات مصرف‌کننده، موجودی عوامل و ضرایب فنی تولید تعیین می‌شود. به تعبیری، رفاه نسبی حاصل از تجارت به رابطه مبادله تعادلی پیش‌گفته بستگی دارد؛ هر قدر رابطه مبادله قبل از تجارت کشوری به رابطه مبادله مورد توافق بعد از تجارت نزدیکتر باشد، منافع حاصل از تجارت برای آن کشور کمتر است و معمولاً چنین نحوه تجارتي میان یک کشور بزرگ با یک کشور کوچک اتفاق می‌افتد.

5. Real Cost TOT.
6. Utility TOT.
7. Net Barter (or Commodity) Terms of Trade(TOTnb).
8. Gross Barter Terms of Trade (TOTg).
9. Income Terms of Trade (TOTi).
- 10.Prebich. Raul.
- 11.Singer. Hans. W.
- 12.Stevens.
- 13.Gruen & Shuetrim.

۱۴. همین‌طور، اگر کشوری بر کالاهای وارداتی تعرفه وضع کند و درآمدهای آن را از طریق کاهش مالیاتها میان مردم تقسیم نماید، این توزیع درآمدی ممکن است منجر به افزایش تقاضا برای واردات به میزانی شود که بستگی به اندازه میل نهایی به مصرف برای واردات از محل افزایش درآمدی دارد. بنابراین، وضع تعرفه موجب پدید آمدن دو نیرو در دو جهت متضاد می‌شود: نخست، تأثیر قیمتی تعرفه منجر به کاهش تقاضا برای واردات به میزانی که بستگی به کشش قیمتی تقاضا بر واردات دارد، می‌شود؛ دوم، به دلیل احتمال توزیع مجدد درآمدهای حاصل از تعرفه، ممکن است تقاضا برای

non-ferrous metals: Slade's analysis revisited, Resources Policy, pp:169-177 (www.elsevier.com/locate/resourpol), 2001.

ITC.CD: PC-TAS (Trade Analysis System. Copyright ITC/UNSD, 1996-2000), 2000.

Lerner, Abba P. "The Concept of Monopoly and the Measurement of Monopoly Power. *Review of Economic Studies*. June. PP157-175, 1937.

Marian, Radetzki. *The Anatomy of Three commodity booms*, Resources Policy, 31, 56-64 (Available online at www.sciencedirect.com), 2006.

Prebisch, R. The Economic Development of Latin America and its Principle Problems, Economic Bulletin for Latin America, 1962.

Reuters, Sanctions pull rug from under Persian carpet trade, Apr 24, 2012.

Shishir, Tyagi, *Present scenario of Indian carpet iIndustry vis-a-vis international markets*, National Seminar cum workshop on recent R&D Initiatives and Developmental Schemes of wool and woolens, Wool Research Association, Thane, 2012.

Singer, H.W. Relative Prices of Exports and Imports of Underdeveloped Countries, UN, 1949.

Spraos, J., the Statistical Debate on the Net Barter Terms Of Trade between Primary Commodities and Manufactures, Economic Journal, vol.90. March, 1980.

UNCTAD, *Handbook of International Trade and Development Statistics*, New York and Geneva, <http://www.UNCTAD.Org>, 2012.

Wellmer, F.-W and U. Berner, Factors useful for Predicting Future Mineral-Commodity Supply trends, Geol Rundsch 86:311-321, 1997.

Zanias, G. P, Testing for Trends in the TOT Between Primary Commodities and Manufactures Goods, 78, 79-59, 2005.

رابطه مبادله با متغیرهای کلان اقتصادی در ایران. مقاله ارائه شده در سومین همایش اقتصاد ایران. موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی). تهران. ۲۴ و ۲۵ مهرماه، ۱۳۸۰.

حسینی، میرعبداله و منوچهر، شاهمرادی، "بررسی رابطه مبادله منتخبی از محصولات کشاورزی جهان و ایران"، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۰، ش ۳۷، بهار، صص ۱۵۶-۱۳۳، ۱۳۸۱.

معاونت طرح و برنامه گمرک، *سالنامه آمار بازرگانی خارجی ایران (صادرات)*، تهران: گمرک ایران، ۹۰-۱۳۵۸.

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تولید و تجارت فرش دستباف. *بررسی‌های بازرگانی*، ش ۱۲۰، مردادماه، ۱۳۷۶.

Appleyard, D.R, Field, A.J and Cobb, S.L, *International Economics*, McGRAW HILL International Edition, Fifth Edition, 2006.

Berge, K, and Crowe, T. *The Terms of Trade Facing South Korea With Respect to its Trade with LDCs and DMEs*. Queen Elizabeth House Working Paper Series 12. Oxford University, August, 1997.

Curry, Band George. K.D "Industrial Concentration Survey, *Journal of Industrial Economics*. March, PP: 203-255, 1983.

Elsworth, *The Terms Of Trade Between Primary producing and industrial countries*, International American Economics Affairs, vol.10.

Fibre2fashion News, Pakistani hand knotted carpets again in demand, Oct 15, 2011.

Herfindahl, Orris. C. "A general Evaluation of Competition in the Copper Industry. In *Copper Costs and Prices 1870-1957*. Johns Hopkins Press, Baltimore. Chap 7, 1959.

<http://data.un.org/Data.aspx?d=ComTrade>

Isabel Figuerola- Ferretti & Chistopher L, 1956. Gilbert, *Price variability and marketing method in*